

# آثار تربیتی عبرت آموزی

غلامرضا گلی زواره

امکان را می‌دهد که خویشتن را از خطر انحراف و کژی نجات دهد، راه هدایت و صراط حق را پیش گیرد، و با نگرستن به حوادث زندگی از افق بالا با بینایی بیشتری به سوی رشد و شکوفایی گام بردارد. چشم عبرت بین به ما این فرصت را می‌دهد که ضعفها، اختلالها و ناگواریها را بشناسیم، فرجام آنان را که با پیروی از شهوات و امیال نفسانی به ضلالت کشانده شده‌اند، ببینیم؛ و با شناخت این عوارض، در تعدیل غرایزی که چنین مصیبت‌هایی را پدید می‌آورند، بکوشیم. حضرت علی(ع) فرمودند: «برای آن کس که وقایق را با دیده عبرت می‌نگرد، تقوا و خودنگهداری‌اش موجب جلوگیری او از غوطه‌ور گردیدن در شهوات خواهد شد».

شخصی که این بصیرت را به دست می‌آورد، نسبت به شرایطی که در اختیار دارد هوشیارتر می‌شود، عمر محدود خویش را غنیمت می‌شمرد، به سازندگی درونی می‌پردازد، و به صلاح و نیکی روی می‌آورد. ضمن آنکه این حالات برای خودش برکاتی دارد، جامعه را بهره‌مند خواهد کرد. قرآن از حقجویان و پویندگان طریق هدایت می‌خواهد که با چشم عبرت بین خود به باطن زندگی دنیا - که آخرت است - توجه کنند و از آن غافل نباشند. و نیز، در نفس خودشان، خلق آسمانها و زمین، و آنچه بین آنهاست تفکر کنند، و بصیرت خویش را به این امور بسنده نکنند؛ بلکه در زمین سیر کنند و به فرجام کسانی بنگرند که توان و قدرت بیشتری داشتند و به عمران

به نظر برخی، عبرت گرفتن به معنای گذشتن از حالی به حال دیگر است. عده‌ای نیز می‌گویند که عبرت گرفتن، گذری از آنچه دیده و یافته است، به آنچه که باید بدان برسد. راغب در مفردات خود، عبرت را حالتی دانسته است که طی آن از معرفت محسوس، به معرفت غیرمحسوس نایل گردیم. به عبارت دیگر، عبرت آن است که از ظاهر چیزی، به باطن و اصل آن واقف شویم. می‌توان این لفظ را چنین تعریف کرد: با دیدن یا شنیدن مسئله‌ای، شخص مفاهیمی درس آموز را یاد بگیرد، و در زندگی خود به کار بندد. اساس این مفهوم یا شیوه، آن است که هرگونه حادثه یا ماجرای که در گذشته روی داده است یا در حال حاضر رخ می‌دهد، فقط به زمان خودش تعلق ندارد، بلکه امکان دارد بر اساس اصل علت و معلول با ظهور علتی مشابه آن در آینده رخ دهد. در واقع، اتفاقات گذشته به دلایلی روی داده‌اند، که می‌توانند با تأمین شرایط دوباره به وقوع بپیوندند. شخص عبرت بین و اهل بصیرت از طریق این شیوه، گذشته و حال را چراغ زندگی آینده قرار می‌دهد. درک شرایط، شناخت آثار مثبت و منفی حوادث، توان تفسیر و تعبیر آنها، قدرت ژرف اندیشی در امور، درک امور مشابه و تضادها و نیز توان تصمیم‌گیری و اتخاذ روشی سعادت آفرین در آدمی، به او این امکان را می‌دهد که در برنامه زندگی خود تجدید نظر کند و خود را از سقوط و هلاکت نجات دهد. عبرت‌آموزی و باز بودن چشم عبرت و بصیرت، به صاحبش این

الهی، به قشر، زمان یا مکان خاصی مربوط نیست. هر انسان مکلفی، در معرض ابتلای الهی است. به نظر دقیق فرد بصیر که چشم عبرت بین او باز است، هر لحظه ای از عمر، با این امتحان سپری می شود و شکست و پیروزی آدمی، در لحظه لحظه پرونده اعمال ثبت و ضبط می گردد. «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لایفتنون» [عنکبوت / ۲]. (آیا مردم می پندارند همین که گویند ایمان آوردیم رها می شوند و آزمایش نمی شوند).

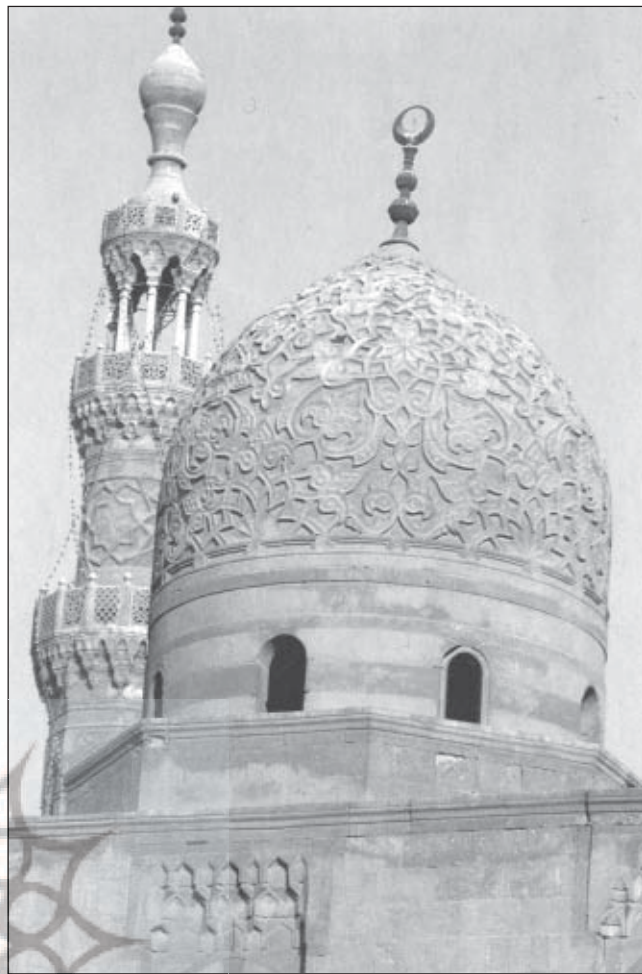
صدق و کذب ایمان انسان، درگیر و دار امتحان الهی معلوم می شود. گاهی، ابتلا در مقام نیت و درون افراد است. در مواقعی نیز ابتلا، اعمال و رفتار آدمی را دربرمی گیرد. چشم عبرت بین بدقت و با ژرفای اندیشه مشاهده می کند که امتحان هرکس بر حسب درک، معرفت و موقعیت فردی و اجتماعی، و نیز شخصیت روحی و معنوی افراد متفاوت است. گاهی امتحان الهی در قالب سختیها، محرومیتها و مصیبتها بروز می کند، و گاهی نیز در لباس نعمت بروز می نماید.

## ۲. سختیها و بلاها

چشم ظاهر بین سختیها و ناراحتیها را آفت ناگواری برای زندگی عادی تصور می کند، و وجود چنین ناراحتیهایی را در زندگی افراد دلیل بر گرفتاریهای آنان می داند. اما از نظر اهل بصیرت، حکمت الهی اقتضا می کند که مردم به رنجها و دشواریهایی دچار شوند تا زمینه مساعدتری برای رشد و گسترش هدایت در آنان پدید آید. همچنین، سختیها زمینه را مساعد می کنند تا انسان به نیازمندی خود واقف شود، و خضوع قلبی او افزایش یابد. این احساس نیاز، توجه آدمی را به سوی درگاه الهی جلب می کند، و آمادگی روانی افزونتری برای پذیرش دعوت فرستادگان الهی فراهم می شود. این حالت، داروی خوبی برای گرفتاران قساوت قلب و مبتلایان به دام هوی و هوس است.

## ۳. وفور نعمت

افراد عادی تصور می کنند، وقتی خداوند به قومی نعمت و آسایش فراوانی داده، از باب رحمت، توجه خاص و عنایت ویژه حق بوده است. اما، وقتی چشم عبرت بین باز باشد، احساس می کنند که وفور نعمت و آسایش در زندگی برخی اقوام و ملل نه از باب رحمت، بلکه از باب قهر و غضب الهی است. غوطه ور شدن در رفاه و لذات دنیوی، دلها را به سوی غفلت می کشاند و مقدمات کفر و عصیان را فراهم می کند. بدین ترتیب، جامعه گام به گام به سوی سرنوشت تاریک و زیانبار خود نزدیک می شود. زمانی که ظلمت فساد بر آن جامعه مستولی شد، عذاب الهی بر آن نازل می شود. قرآن در این باره می فرماید: «ثم بدلنا مکان السیئة الحسنة حتی عفوا و قالو قد مس أباعنا الضراء و السراء فاخذناهم بغتة و هم لایشعرون» [اعراف / ۹۵]. (سپس جای سختیها را به خوشی تبدیل کردیم تا شمارشان افزون شد و گفتند: آن سختی و خوشی، بعد از آن به پدران ما هم رسید. سپس ناگهان آنان را



مسجد خایربک، قاهره، مصر

زمین پرداختند، اما به دلیل آنکه با انحراف از مسیر حق به خویش ستم کردند، آثار خوبی به یادگار نهادند و نامشان با بدی و نفرت از آنان ثبت گردید [روم/ ۶-۱۵]. عاقبت کسانی که مرتکب کارهای بد شدند، بسیار ناگوارتر است، زیرا اینها آیات خدا را کذب پنداشتند و مسخره کردند. در خطابی از خدای متعال به حضرت عیسی (ع) آمده است: «ای عیسی! خوب تفکر و تعقل کن. به اطراف زمین نظر بینداز و ببین ستمکاران چه عاقبتی داشته اند» [اعلام الدین، ۲۳۳]. نیز حضرت علی (ع) فرمودند: «بندگان خدا! از عبرت‌های سودمند موعظه بپذیرید و از آیات درخشان خدا عبرت بگیرید» [نبیح البلاغه، خطبه ۱۸۵]. و در فرمایش دیگری فرمودند: «از گذشته دنیا بر آنچه باقی مانده است عبرت بیاموز، زیرا پاره ای از دنیا به قسمت دیگرش شباهت دارد. و پایان دنیا به آغاز آن وصل است و تمام پیکره آن، از هم گسستنی و جداشدنی است [نبیح البلاغه، طوائف الحکم]. همه کس نمی تواند از طریق عبرت به تربیت خود بکوشد، بلکه این ویژگی چشم باز، عقل سالم، قلبی خالص و دلی بیدار می خواهد.

امور عبرت آموز

## ۱. سنت امتحان و ابتلای الهی

با چشم عبرت بین می توان متوجه این حقیقت شد که امتحان

عبرت، به چنین سنتی توجه دارند، توصیه های قرآنی را در این باره رعایت می کنند [آل عمران / ۱۷۸ و اعراف / ۱۸۲ - ۱۸۳].

#### ۶. اعمال قدرت به وسیله خداوند

خداوند بر حسب نیت، اعمال و مقاصد افراد جامعه، مقلب قلوب و تحول آفرین در دلهاست. اما، گاهی خداوند خود طبقات جامعه را هم تغییر می دهد. گاهی، خداوند در اهداف جامعه ای چنان تحول می آفریند، که باید آن را از امور غیبی تصور کرد. امام خمینی (ره) این تحول آفرینی را در جامعه اسلامی ایران، به نحو جالبی بیان کرده اند: «... چگونه در ظرف سالهای معدود از بطن این جامعه، که خود نیز اگر معیارهای عادی را حساب کنیم باید کمک به فساد کند (به دلیل عفونت رژیم ستمشاهی که فضا را مسموم کرده بود)، یک همچون جوانان سرشار از معرفت الله و سراپا عاشق لقاءالله و با تمام وجود داوطلب برای شهادت و جان نثار برای اسلام بسازد؟ جز دست غیبی و دستگیری الهی و تصرف ربوبی، با چه میزان و معیار می توان تحلیل این معما کرد» [مجله حضور، شماره ۱۹، ۲۱].

#### ۷. مرگ و میر

مرگ افراد باید برای ما درس عبرت باشد. حضرت علی (ع) در خطبه بیستم نهج البلاغه با تمام محبت و علاقه از مردم می خواهد از مرگ مردگان و آنچه در ساعت مرگ و پس از آن برای آنان



مسجد سوگون تان (سلیمان، امین)، تورفان، ایالت سین کیانگ، چین

فروگرفتیم در حالی که غافل بودند).

#### ۴. مجازات اقوام منحرف

بصیرتی درونی نیاز است تا انسان از ورای حوادث: تاریخی و طبیعی، و برخی نبردهای قومی، مشاهده کند اقوامی به سبب تخلف از سنت الهی مجازات شده اند. خداوند وقتی ببیند که قومی در انحطاط فرو رفته است و امیدی به بازگشت او نمی باشد، مهلتش نمی دهد و هلاکش می کند. این نابودی به وسیله عذاب آسمانی، در اثر حوادث مهیب طبیعی یا به دست انسانهای دیگر انجام می شود. گاهی عذاب الهی آنچنان شدت دارد، که اثری از آن قوم باقی نمی گذارد. پس، هرگاه قومی غیرقابل اصلاح باشد و ادامه حیاتش برای بشریت جز خسارت و بدبختی چیزی به همراه نیاورد، انهدام کامل آن به حکم قادر حکیم سرنوشتی محتوم است.

#### ۵. امدادهای الهی

در برابر دعوتهای آسمانی، مردم دو دسته می شوند: عده ای به ندای حیثیت پاسخ مثبت می دهند و هدایت الهی را می پذیرند. دسته ای دیگر، عناد می ورزند و به زندگی دنیا اکتفا می کنند. خداوند هر دو دسته مزبور را در رسیدن به خواسته های خود امداد می نماید. اهل بصیرت مشاهده می کنند که هرکس متاع زودگذر دنیا را طالب است، از همین نعمتهای موقت برخوردار می شود و به مقصد می رسد. اما، عاقبت چنین افرادی دوزخ است، که با نکوهش و سرزنش به آن وارد می شوند. خداوند به آن که طالب آخرت است، کمک می کند و از سعی و تلاش او هم قدردانی می کند. سنت الهی این است که هر کس با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند. آنان که با صدق و اخلاص در طریق حق قدم نهند، توفیق الهی را نصیب خویش ساخته اند. برای مؤمنی که قصد صواب دارد، بر اثر لطف الهی اسباب و عوامل تحقق آن نیت خیر آماده می گردد، و موانع از سر راه برداشته می شود. گاهی، امدادی الهی به شکل حالتی غیبی و باطنی اهل ایمان را شامل می شود، و کارهای دشوار به اتکای آن آسان می گردد. اما آنان که راه باطل را انتخاب کرده اند، رفته رفته به سوی باطل سوق می یابند و به قعر دره هلاکت نزدیک می شوند. البته، خداوند از باب لطف، گناهکاران را مهلت می دهد تا از خواب غفلت بیدار شوند و به سوی خدا بازگردند. اما، عده ای که نافرمانی عادتشان شده است، به گناه کردن ادامه می دهند. آنگاه، بر حسب سنت الهی باز هم به آنان مهلت داده می شود تا روز به روز بر گناهانشان افزوده و عذابشان دردناکتر شود. این سنت که از مصادیق مکر الهی شمرده می شود، امکان دارد همراه با تجدید نعمتی پس از نعمت دیگر هم باشد. فقط اهل بصیرت و

اتفاق افتاده است، جداً عبرت بگیرند. آن حضرت می فرمایند: «اگر به چشم ببینید آنچه را که مردگان شما به چشم دیدند، هر آینه غمگین می شوید و زاری می نمایید. آن وقت است که تمام اوامر و نواهی انبیا را می شنوید و پیروی می کنید. اما آنچه را که رفتگان دیدند، از نظر شما پنهان است. به همین خاطر، در عمل، اخلاق و عقیده عقب افتاده اید». مدت عمر و زندگی را از شما پنهان داشته، و از آثار گذشتگان برایتان عبرت نهاده است. از لذت و بهره ای که از دنیا بردند و از طول مدت و فراخی که قبل از گلوگیر شدن ریسمان مرگ نصیب آنها شده بود، بیچاره انسان که در گرو گورستان داده شده، در خوابگاه قبر تنها مانده، گزنده های خاک و مار و مور پوست تنش را پاره کرده اند. و شدت و سختی مرگ تازگی پوستش را پوسانیده و از بین برده اند. جسدها پس از طراوت و تازگی تغییر یافت، و استخوانها بعد از استحکام پوسید و جانها در گرو بارهای گران گناه و معصیت بماند. این زمان است که این بیچارگان به تمام اخباری که انبیا و قرآن نسبت به بعد از مرگ داده بودند، یقین حاصل نمودند. اکنون، ای بندگان خدا! فرصت را غنیمت شمردید تا وقتی که ریسمان مرگ رهاست و گلویتان را نگرفته و روح در بدنتان هست، برای آخرت فکری کنید و برای زاد آخرت قدمی بردارید».

همچنین در خطبه ۲۱۲ نهج البلاغه، حضرت علی (ع) هشدارهای آموزنده ای درباره مرگ و اهل گورستان ارائه کرده اند.  
۸. پیری و جوانی

به افراد جوان بنگرید و مشاهده کنید که چگونه به تدریج روزگار شادابی و شباب را پشت سر می نهند، و روزهای پیری و خمیدگی را انتظار می کشند. قرآن در این باره می فرماید: «و من نعمة نكس في الخلق افلا يعقلون» [یس / ۶۸] (هر که را عمر دراز دهیم، در خلقت او دگرگونی ایجاد کنیم. پس چرا تعقل نمی کنند). چه بدبخت و بیچاره اند، کسانی که دوران توانایی را در غفلت و ضلالت به سر می برند.

به پیرها هم که نگاه کنیم، حقیقت دیگری را می بینیم. اینان در گذشته، آمهایی سرزنده با آرزوهای دراز، امید فراوان و برنامه های گوناگون بودند. و اکنون، ناتوان و درگیر با بیماریهای گوناگون، لحظه به لحظه به مرگ نزدیک می شوند. پس باید چشم عبرت خویش را بگشاییم، و از عمر خویش برای شکوفایی معنوی و رشد فکری و اخلاقی بهره گیریم تا دچار خسران نشویم.

#### ۹. فراز و فرود

در تحولات سیاسی - اجتماعی، برخی افراد بر حسب لیاقتها و شایستگیها و عده ای نیز از طریق قلدری و قدرت، مقامات بالایی را به دست می آورند. اما، هیچ کدام بر سریر قدرت نمی مانند و مدتی نمی کشد که آفتاب اقتدارشان غروب می کند. فقط، کسانی که از این مقام حسن استفاده را کرده، به وسیله آن حقی را به صاحبش بازگردانیده، عدالت پیشه کرده و به ترویج فضایل و مکارم در جامعه پرداخته اند، به هنگام کناره گیری از قدرت احساس غبن و خسران نمی کنند. صاحب مقام و منصب، به این دو موقعیت به چشم بصیرت و عبرت می نگرد. پس، باید از این خصوصیت پند پذیرد، دست به تجاوز و تعدی دراز نکند، و تصور ننماید که در آن منصب تا ابد باقی خواهد ماند. امام خمینی (ره) خطاب به مسئولان نظام فرمودند: شما هر مقامی هم پیدا کنید، از مقام رضاخان و فرزندش بیشتر نخواهد شد. از این حوادث تاریخ عبرت بگیرید. همچنین، دولتها و سران اقوام، قبایل و احزاب باید از اختلافها و تفرقه ها درس عبرت بگیرند. به فرموده امام خمینی (ره) ما باید از این که دشمنان سلطه پیدا کردند، تفرقه انداختند، مسلمانان را ضعیف کردند و بر جوامع اسلامی غلبه نمودند، عبرت بگیریم [مجموعه مقالات کنگره بررسی اندیشه و آثار تربیتی امام خمینی (ره)، ۴۷۲-۴۷۳].

#### ۱۰. بهار و خزان زندگی

فصل بهار، رستاخیز طبیعت و مثالی از رستاخیز عظیم انسان و جهان است. رسول اکرم (ص) فرمودند: «هر وقت بهار را دیدید، بسیار از قیامت یاد کنید».

این بهار نوز بعد برگریز  
هست برهان بر وجود رستاخیز  
در بهاران سرها پیدا شود  
هرچه خورده است این زمین رسوا شود  
رازها را می کند حق آشکار



مسجد جامع قرطبه، کوردوبا، اسپانیا

هر حال، احتیاج آدمی به آنان، مانند نیاز یک بیمار مشرف به موت به دارو و درمان است. امام سجاد(ع) فرمودند: «هلاک و تباه شد، آن کسی که راهنمای حکیمی ندارد» [مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ۱۵۹].

از امام صادق(ع) روایت شده است: «به جستجوی صالحان پرهیزگار پرداز، و شرف مصاحبت با آنان را به دست آر؛ هرچند در اعماق ظلمات زمین باشند، و هرچند تمام عمرت در راه این طلب به پایان برسد، چه آنکه خداوند در روی زمین بعد از پیامبران، بشری برتر از آنان نیافریده و نعمتی چون توفیق مصاحبت با آنان به کسی عطا نکرده است». و نیز آن امام همام فرمودند: «چه تأسف بار و غم انگیز است، دور ماندن از صاحب‌دلانی که قلبشان مملو از نور گردیده است. . . تنها با خدا مأنوسند و از هرچه که مایه انس و آسایش دنیاپرستان است، گریزانند». و نیز در ادامه این فرمایش ارزنده، افزودند: «خوشا به حال آن بنده‌ای که غبطه به حال دنیا‌داران خطاکار نخورده و آرزوی رسیدن به زندگی پرزرق و برق آنان را به دل راه نداده است». آنگاه می‌فرمایند: «مشمول رحمت خدا باشد آن گروهی که چراغ (روشنگر مردمند) و راهنمای گم‌گشتگان وادی جهل و ضلالتند، و به وسیله اعمال و تلاششان، مردم را به سوی ما فرامی‌خوانند» [ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ۲۲۱].

اینان برآستی انسانهای منوری‌اند که زوایای تاریک را روشن می‌کنند. سبب این ویژگی آن است که چون جانشان به منبع نور اتصال دارد، آنچنان شده‌اند که ابواب افاضات خداوندی به فضای قلبشان باز می‌شود؛ چنانکه رسول اکرم(ص) فرمودند: «من اخلص لله اربعین يوماً فجالله ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه» (هر که چهل روز اعمال خود را مخلصانه برای خداوند انجام دهد، پروردگارش چشمه‌های حکمت را از قلبش می‌جوشاند و بر زبانش جاری می‌سازد) [مجلسی، بحارالانوار، ج ۷، ۲۴۹]. در قرآن کریم آمده است: «و جعلنا له نوراً یمشی به فی الناس» [انعام/۱۲۲]. این بیداردلان در بین مردم نورافشانی می‌کنند، رفتارشان نور است و انسان را به یاد خدا می‌اندازند.

#### منابع:

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرالحکم و درر الکلم
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول
۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار
۴. مجله حضور، بهار ۱۳۷۶، شماره ۱۹
۵. مجموعه مقالات کنگره بررسی اندیشه و آثار تربیتی امام خمینی
۶. مطهری، مرتضی، زندگی جاوید یا حیات اخروی
۷. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات

چون بخواهد رُست تخم بد مکار  
اما، وضع به همین منوال باقی نمی‌ماند. به دنبال این بهار، خزان است؛ تا آنکه باز طبیعت در آستانه رستاخیز خود قرار می‌گیرد. و همین نظام مرگ و زندگی، همه ساله در طبیعت جریان دارد. چشم عبرت بین از همین نظام محسوس، یک نظام مرگ و زندگی کلی و برتر را استنباط می‌کند که اگرچه غیرمحسوس است، اما مسلم می‌باشد و خارج از مجموعه نظام آفرینش نیست [مطهری، زندگی جاوید یا حیات اخروی].

#### ۱۱. دقت در وقایع شخصی

مطالعه و دقت در وقایع شخصی، مایه عبرت و منبع کسب تجربیات است. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «خردمند کسی است که از تجربیات زندگی پند و سرمشق گیرد» [مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ۵۳]. و نیز ایشان فرمودند: «انسان عاقل از وقایع دیروز خود عبرت می‌گیرد، و آن را در زندگی مایه پشت گرمی خویش قرار می‌دهد» [آمدی، غرالحکم، ۶۷۸]. تجربه، یکی از عوامل پرورش عقل و هوش است. تجربه توأم با عبرت و بصیرت از راههای روشن رسیدن به واقعیت است. نظر اشخاصی که از حوادث زندگی عبرت گرفته و تجاری اندوخته‌اند، به مراتب ارزنده‌تر از رأی اشخاص خام و محروم از بینایی درونی است [فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ۲۲۶ - ۲۲۷].

#### باران بیداری

حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «چه بسیار اموری، که مایه اعتبارند و مردم از آن غافلند». کسی که از این حوادث عبرت نمی‌گیرد، یا دچار نایبانی در دیده عبرت بین شده یا عوارضی چشم مزبور را دچار کدورت کرده است که باید به معالجه آن پردازد. بی‌تردید، در نخستین وهله آیات قرآن، روایات و توصیه‌های انبیا و اولیا، داروهای مؤثری به شمار می‌روند تا این چشم خوب شود و فرد بتواند از خواب غفلت بیدار گردد. طبیعی‌ای هم در جامعه هستند، که به بیداردلان هوشیار و بندگان صالح حق معروفند. اینان ابتدا به تهذیب نفس پرداخته و راههای نفوذ شیطان را به فضای قلب خود بسته‌اند؛ سپس، به دستگیری از بندگان ضعیف خدا و نجات آنان از نایبانی چشم عبرت بین مبادرت کرده‌اند.

یکی از راههای مؤثر در درمان بیماری غفلت که نتیجه کور نفسی و بی‌عبرتی است، استماع مواعظ معنوی از زبان آن پاکدلان و مطالعه حالات و مقامات آن نیک خصلتان است. متأسفانه، وجود آن عزیزان از یک سو در هر زمان نادر است، و از سوی دیگر دستیابی به آن شخصیت‌های کمیاب بسیار دشوار می‌باشد. به